

متن صحبت محترم دستگیر هژبر

در سومین نشست مشورتی هواخواهان وحدت ...

رفقای عزیز

حضور گرم و صمیمانه ی شما رادر سومین نشست مشورتی هواخواهان وحدت سراسری نیروهای دموکراتیک، مترقی و طرفدار عدالت در کشور شادباش و خیر مقدم میگویم.

افغانستان پس از پراگنده گی جنبش داد خواهانه، روز های سخت و دشواری را پشت سر گذاشته است. در سالهای پسین، رنجهای بیشماری بر خلق رنج دیده ی کشور تحمیل شد، تداوم جنگهای داخلی، متلاشی شدن سیستم اداره ی دولتی، نابودی زیرساخت های اقتصادی، انزوای کشور در صحنه ی بین المللی و پس از آن حاکمیت استبدادی و خشن طالبان عرصه ی زندگی را برای مردم مظلوم ما غیر قابل تحمل ساخت.

هشت سال پیش، زمانی که نیروهای خارجی به بهانه ی " مبارزه باتروریسم " به کشور ما آمد امید های کاذبی در ذهن روان مردم ایجاد شد و چنان پنداشته میشد که دیگر دوران رنج و عذاب مردم به پایان رسیده و وضعیت ی فراهم خواهد شد که بدور از فضای جنگ و آشوب، کشور به صلح و آرامش سراسری برسد، ویرانه های جنگ بازسازی شود و مردم بتوانند آینده ی سعادت مندی را به استقبال بنشینند.

تجربه ی هشت سال پسین به روشنی نشان داد، که نه تنها صلح و آرامش به کشور باز نگشت، که ابعاد بحران پیچیده شد و حضور گسترده ی کشور های خارجی خود به یک عامل تداوم آشفته گی و جنگ مبدل گردید.

اکنون کشور بار دیگر در سراشیب سقوط در بحران خطرناک قرار گرفته است و بیم آن میرود که نیروهای متحجر و ارتجاعی بر سرنوشت و مقدرات جامعه ی ما حاکم شوند.

با آنکه تحلیلگران مختلف عوامل زیادی را برای وضعیت کنونی بر می‌شمارند، اما حقیقت اینست که عامل اساسی تداوم بحران، نبود یک بدیل بازدارنده و نجات دهنده ملی متشکل از نیروهای دموکراتیک و مترقی در کشور است.

نیاز احیای جنبش دادخواهانه در جامعه‌ی ما به مسأله‌ی مبرم روز مبدل گشته است. بدون حضور فعال نیروهای دموکرات، ترقیخواه و عدالت پسند، امکان نجات کشور از سیطره‌ی ارتجاع دور از تصور است.

تلاشها در راستای احیای جنبش دموکراتیک در داخل و خارج کشور در جریان بوده است که بادرین به دلایل مختلف تاکنون تحقق نیافته است، قالب‌های ایجاد شده از حزب دیروز ما نتوانسته اند بر رویدادها و روندهای جامعه تاثیرات ملموسی از خود بجا گذارند. تداوم این وضعیت به هیچ صورت به نفع جنبش و جامعه‌ی ما نیست.

حرکتی که اکنون در جهت وحدت نیروهای دموکراتیک، مترقی و میهنی آغاز شده است، ادامه‌ی تلاش‌های وحدت طلبانه‌ی قبلی است، اما به چند دلیل وضعیت امروز برای تحقق این آرمان والا نسبت به دیروز مساعدتر است، ازینروست که امیدوار هستیم این تلاشها منتج به ایجاد یک حزب بزرگ سراسری از طریق وحدت ارگانیک همه نیروهای معتقد به منافع خلق زحمتکش افغانستان گردد.

سیر تحولات سریع و توقف ناپذیر جهانی نشان میدهد که نظام سرماییداری به شدت گرفتار بحران درون ساختاری خود گردیده است، بانگاه گذرابه پیامدهای این بحران به روشنی میتوان گفت که عبور به سلامت از آن برای نظام سرمایه داری جهانی بعید است. شدت این بحران بمراتب بیشتر از بحرانی است که در سال ۱۹۲۹ در جهان آغاز شده بود، ارقام و احصاییه‌ها نشان میدهند که روزتاروز قدرت خرید جهانی کاهش مییابد و بدینترتیب سطح فروشات و تولید در تمام جهان کمتر میشود و در نتیجه شماری زیادی از موسسات تولیدی، صنعتی و کشاورزی مجبور به بستن دروازه‌ها شان خواهند شد که این روند بر سیل بیکاران در تمام جهان خواهد افزود.

بنا برین گرایش به سوی دریافت راه حل های دموکراتیک به سود طبقات واقشار فقیر روزتاروز بیشتر میشود واین امر بصورت طبیعی زمینه های رشدجنبش های رهایببخش در سراسر جهان را هرچه بیشتر فراهم میسازد.

اکنون دیگررویای امریکایی سهمیم کردن همه گان در رفاه اجتماعی به کابوس وحشتناکی مبدل شده است زیرا براساس آمارهای رسمی وزارت کشاورزی آمریکا در سال ۲۰۰۸ ، چهل ونه میلیون آمریکایی واز آنجمله ۱۷ میلیون کودک از گرسنه گی رنج میبرند،به قول یک پژوهشگر فرانسوی "اکنون آن رویا جای خود را به سوپ های رایگان و کوپون های تغذیه داده است."

این پژوهشگر با اشاره به این که در سال ۲۰۰۸ یک کودک از چهار کودک آمریکایی محرومیت تغذیه یی را تجربه کرده اند،می افزاید که نخستین قربانیان این موج فقر خانواده های دارای فرزند هستند یعنی در سطح قابل مقایسه باسالهای دهه ی ۳۰ میلادی،ودر ادامه از قول خانم ویکی آسکارا مدیر " فیدینگ آمریکا" بزرگترین سازمان پخش کوپون های تغذیه وکمکهای اضطراری آمریکا علاوه میکند " شگفت انگیز است مثل این که در یک کشور جهان سومی زندگی میکنیم."

با ارایه ی این تصویر از وضعیت اجتماعی بزرگترین نظام سرمایه داری، اکنون دیگر بیش از هرزمانی بطلان ادعاهایی آنانیکه غوغای خیالپردازانه ی "سرمایه داری پایان تاریخ" را سر داده بودند به روشنی قابل درک است.

همچنان تلاش ها برای سرکوب نظامی نیروهای افراطی که خطر جدی برای امنیت جهانی پنداشته میشود،از طریق لشکرکشی واشغال ، به بن بست رسیده است وتجربه ی عراق و افغانستان روشن ساخته است، که تهدید افراطی گری را نمیتوان تنها به وسیله ی حضور دوامدار نیروهای آمریکایی و ناتو مهار کرد.

برای مهار جنگ و کاهش خطر تهدید طالبان و القاعده باید نیروهای باز دارنده ی بومی با پایگاه های قوی اجتماعی بوجود آیند. تا ظرفیت های موثر برای حفظ ارزشهای دموکراسی ایجاد گردد و قادر باشد سد قوی در برابر نیروهای عقب گرا و ارتجاعی بوجود آورد.

ایجاد یک چنین دژ استوار و تسخیر ناپذیر تنها و تنها از طریق فراهم آوری زمینه ها برای تقویت جنبش های آزادیخواهانه و دموکراتیک امکان پذیر خواهد بود.

از سوی دیگر، روند پاگیری شتابنده ی نیروهای ترقیخواه در نقاط مختلف دنیا در حال گسترش است. تحولات در امریکای لاتین، پیروزی های نیروهای طرفدار منافع زحمتکشان در نیپال و قبرس، شکل گیری گرایشهای چپ جدید در اروپا و بویژه استقبال مردم از سیاستهای حزب چپ المان همه و همه گواه روشن تقویت روز افزون پایگاه های نیروهای مدافع منافع زحمتکشان در سراسر دنیا است.

اوضاع داخل کشور نیز آستن تحول در مسیر منافع توده های فقیر و تهیدست است، زیرا صرف هزینه های میلیارد دلاری سرازیر شده به افغانستان، کوچکترین تاثیر مثبت در بهبود زنده گی آنان نکرده است و بر عکس پس از گذشت هشت سال علی الرغم غوغای بازسازی کشور، نه تنها تحول مثبت در وضعیت زندگی اقشار فقیر مردم بوجود نیامد که شگاف اجتماعی عمیق تر شد و روزتا روز سیل بیکاران و گرسنه گان در جامعه افزایش می یابد.

عبور از این وضعیت نیاز مند راهکار ها و راه حل های دموکراتیک است و این امر بدون حضور نیرومند و یکپارچه ی نیروی واحد دموکراتیک و ترقیخواه نا ممکن است.

بنابراین شرایط عینی و ذهنی اکنون بیش از هر زمانی دیگر برای تبارز جنبش دادخواهانه، هم در داخل کشور و هم در فضای بین المللی مساعد گردیده است.

تحقق وحدت همه نیروهای دموکرات، ترقیخواه و میهنی و ایجاد یک حزب سراسری و افغانستان شمول، مستلزم تلاش صادقانه و پیگیر همه افراد وفادار به منافع زحمتکشان کشور است .

ما درین راه گام نهاده ایم و آرزو داریم با همراهی و پشتیبانی شما رفقای عزیز این آرمان بزرگ تحقق یابد.

وحدت، قدرت است، قدرت تبارز سیاسی و تبارز سیاسی، خواست مردم افغانستان.